

نفوذ در روان تبهکاران

د کتر «علیرضا شریفی یزدی»، روان شناس جنایی و کارشناس شبکه مستند از جذابیت‌ها درآمد و چالش‌های شغلی‌اش در واکاوی پرونده‌های جنایی می‌گوید

صادق جهانی | خبرنگار



همه ما با شغل روان شناس بالینی، خانواده، تربیتی و کودک و ... آشنایی داریم و نام آن‌ها را به کرات شنیده‌ایم و می‌شود گفت که هر روز چشم و گوش‌مان به صاحبان این حرفه در زیر نویس برنامه‌های تلویزیون، رادیو و شبکه‌های اجتماعی می‌افتد، اما در این بین کمتر نامی از روان شناس جنایی به گوش‌مان خورده، بلکه روان شناس جنایی. کسی که به هنگام وقوع جرم، پای ثابت پرونده‌های جنایی است و در کنار پلیس، کارآگاهان و نیروهای قضایی برای بررسی و واکاوی پرونده افرادی که مرتکب بزه و جنایت شده‌اند رویه‌ریشانی می‌نشینند و درباره انگیزه و دلایل اقدام خشونت‌آمیزشان با آن‌ها هم صحبت می‌شود. روان شناسی جنایی شغلی است که در ایران کمتر به آن پرداخته شده ولی اهمیت آن از دیگر شاخه‌ها و گرایش‌های روان شناسی کمتر نیست. یکی از روان شناسان جنایی کشور مان که به رغم سختی و طاقت‌فرسایی روحی چنین شغلی عاشقانه در حال فعالیت است، دکتر علیرضا شریفی یزدی است. او که هم اکنون نزدیک به بیست سال با یدک کشیدن نام روان شناس جنایی پرونده‌بزهکاران و جنایتکاران را ورق می‌زند، چند سالی است که در شبکه مستند سیما هم به عنوان کارشناس این حوزه با تبهکاران و جنایتکاران گفت‌وگو می‌کند تا در حوزه فرهنگ‌سازی برای کاهش جرم و جنایت‌ها، قدمی به برداشته باشد. در پرونده امروز زندگی سلام، پای صحبت این فرد نشستیم تا برای ما از علاقه‌اش، انتخاب این مسیر شغلی، سختی‌ها و چالش‌های کمتر شنیده شده این شغل بگوید.

از سال ۸۱ در حوزه روان شناسی جنایی فعالیت می‌کنم

فردی است در نهایت به سمت مقوله روان شناسی اجتماعی و جنایی کشیده شدم که یک پا در حوزه روان دارد و یک پا در حوزه جامعه، با مطالعاتی که در محل کارم، یعنی مرکز پژوهشکده خانواده انجام دادم به این نتیجه رسیدم که واقعیتش اگر ما به موقع به داد نوجوانان و جوانان مان برسیم بسیاری از بزهکاری‌ها رخ نخواهد داد، به عبارت بهتر کارخانه تولید بزهکار، تبهکار و جنایتکار در هر بعد و سطحی میزان تولیداتش به شدت کاهش می‌یابد. علت دیگری که من به این سمت کشیده شدم این بود که چرا یک انسان کار خلاف می‌کند و مسیر بزهکاری را انتخاب می‌کند.

روان شناسی جرم و جنایت در ایران یک کار نوپاست

شریفی یزدی از وضعیت این شغل در کشور مان و دستاوردهای آن می‌گوید: «روان شناسی جرم و جنایت در ایران یک کار نوپاست و به لحاظ حجم و گستردگی هم بسیار محدود است. ما به اندازه‌ای که در کشور روان شناس بالینی، خانواده و کودک داریم، متأسفانه روی تربیت روان شناس جرم و جنایت کار نکرديم و نیازمند این هستیم که بیشتر روی این حوزه متمرکز شویم.»

تم علمی برنامه شبکه مستند با من است



شریفی یزدی مدت‌هاست برنامه «پرونده مستند» را روی آنتن شبکه مستند سیمادارد و در هر برنامه بایک فرد بزهکار و جنایتکار به گفت‌وگویی نشینداز انگیزه و دلایل اعمال مجرمانه آن‌ها می‌پرسد. او بارها ماهیت و محور این برنامه می‌گوید: «با تعدادی از افراد دلسوز در این حوزه تصمیم گرفتیم گفت‌وگو با این افراد را قالب یک برنامه تلویزیونی در آوریم و چون به صورت مستند ارائه می‌شود، حقیقت تصویری است از تاریخ ما در یک دوره زمانی خاص و اگر سال‌های بعد کسی بخواهد درباره روان شناسی جنایی ایران مطالعه کند در دسترسش باشد. این هم کار فرد نیست و این کار رایه اسم من نباید نوشت، یک گروه وریش کار می‌کند، از عوامل شبکه مستند تانیروی انتظامی، به ویژه پلیس آگاهی که خیلی تاثیر گذار و نقش آفرین هستند، ولی خب تم علمی این برنامه با من است.»

بیشتر اوقات در زمان گفت‌وگو با مجرمان، بغض گلویم را می‌گیرد

«عمده اوقات بغض گلویم را می‌گیرد و تاسف سنگین می‌خورم». دکتر شریفی یزدی با این مقدمه به حس و حالش در زمان گفت‌وگو با مجرمان اشاره می‌کند و می‌گوید: «نا راحت می‌شوم و تاسف می‌خورم از باب این که به راحتی می‌شد با هزینه کم از جرمی که رخ داده است جلوگیری کرد. بیشتر اوقات با این افراد احساس همدلی دارم. نادر هستند کسانی که حس ترحم، همدلی و همدردی با آن‌ها برانگیخته نشود، نه برای من، حتی برای عوامل برنامه. گاهی می‌بینم فیلم برداران عزیزی که هم پشت دوربین ایستاده‌اند اشک می‌ریزند. چون به هر حال این‌ها هم انسان‌اند و اگر در بستر مناسب و سالمی رشد می‌کردند چه بسا می‌توانستند انسان‌های مفیدی برای جامعه باشند. گاهی جدای از همزادپنداری همیشه این سوال بر ابرام مطرح است که اگر ما جای این افراد بودیم و در یک خانواده مشکل‌دار و مشکل‌زا بزرگ می‌شدیم، همین اتفاق برای ما می‌افتاد که حالا این جانشینیم و داریم در موضع یک داور آن‌ها را قضاوت می‌کنیم. در مجموع خیلی وقت‌ها احساس بدی دارم، احساس بد که می‌گویم یعنی حال بدی به من دست می‌دهد، گاهی دو، سه بار این برنامه قطع می‌شود، به حیاط می‌روم، قدمی می‌زنم و نفسی می‌کشم که بتوانم بیایم گفت‌وگویم را ادامه دهم. در واقع فضای حاکم بر آن جا آن قدر احساسی، عاطفی و هیجانی می‌شود که دیگر نمی‌شود جلوی دوربین رفت.»

تکان دهنده‌ترین مجرمی که با او صحبت کردم

شریفی یزدی صحبتش را با تکان دهنده‌ترین مراجعی که در طول این سال‌ها با آن گفت‌وگو کرده ادامه می‌دهد و می‌گوید: «مراجعی که از همه بیشتر بر ابرام تکان دهنده بود، آقای بود که در یکی از برنامه‌هایم با او صحبت کردم و متأسفانه دو دختر ۱۷ و ۱۹ ساله‌اش به همراه پدر زن و مادر زنش را ظرف مدت نیم ساعت به قتل می‌رساند و سر فرزندان‌ش را از تن جدا می‌کند. این را می‌خواهم بگویم که این چطور آدمی است؟ آیا باید گفت دیوانه محض است؟ اسکیزوفرنی است؟ جانش به لبش رسیده؟ یا آدم خیلی خطرناکی است؟ در مجموع چطور آدمی است؟ در مصاحبه‌ای که با این فرد داشتم کاملاً پیدا بود که بر خورد نامناسب مادر در اوان کودکی و بعدها برخورد نامناسب خواهر بزرگ تر که جانشین مادرش می‌شود کینه‌ای را در دل این فرد و طی سال‌های تحصیلش در مدرسه می‌کارد. متأسفانه نظام تعلیم و تربیت ما فقط مشغول آموزش ریاضی، فیزیک و موارد دیگر به این فرد بوده و اصلاً به این فکر نبوده که این فرد را غربالگری کند، که اگر غربالگری می‌کرد و ۱۰ جلسه این فرد را تحت مشاوره قرار می‌داد و شناخت درستی پیدا می‌کرد هرگز دست به چنین جنایتی نمی‌زد، چون موقعی که از او پرسیدم تو چرا دختر هایت را کشتی؟ گفت: زن‌ها همه بی‌وفایت و دیدم این همه دارم برای بچه‌هایم زحمت می‌کشم، اما همان کاری را که مادرم، خواهرم و همسر ما من کردند در آینده دخترانم هم در حق من می‌کنند و با خودم گفتیم همین بهتر که آن‌ها هم نباشند. خب ببینید از این موارد متأسفانه زیاد داریم و تا الان حدود صد و چند برنامه را اجازه پخش به ما دادند و معنی‌اش این است که حداقل ۵۰ درصد از این برنامه بیشتر تولید شده و اجازه پخش نگرفته است، آن هم به دلایل مختلف سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای. می‌خواهم این را بگویم اگر یک روان شناس و جامعه‌شناس پشت این فرد بود و غربالگری می‌شد، آن فرد یک مورچه هم نمی‌کشت. اصلاً آدمی نبود که بخواهد کسی را بکشد و نمی‌توانیم بگوییم که یک جنایتکار با لقطه بوده و جنون داشته است. متأسفانه به موقع شناسایی نشده بود. نحوه قتل هم این گونه بود که چون خانمش او را ترک کرده بود پدر زن و مادر دعوت کرده بود. نصف شب هم پدر زن و مادر زنش را می‌کشد و هم سر دو دخترش را می‌برد.»



خانواده‌ها نباید دچار اضطراب زیادی درباره فرزندشان شوند

دکتر شریفی یزدی از تاثیر واکاوی و مطالعه پرونده‌های جنایی می‌گوید: «این را من در واکنش خانواده‌ها می‌بینم که ارتباط می‌گیرند، ایمیل می‌زنند و پیامک می‌دهند. همه این موارد نشان می‌دهد که حساسیت خانواده‌ها بالا رفته تا حدی تا کرده فرزندان شان دچار مشکل نشوند. همچنین پیگیر آن هستند که یاد بگیرند چگونه با فرزندان شان برخورد کنند یا چطور یک محیط تربیتی سالم برایشان فراهم کنند. بالاخره خانواده‌ها روی فرزندان شان هم حساسیت و دقت نظر دارند و هم نگرانند. این را هم لازم است بگوییم که واقعیتش میزان این رخدادها به رغم این که کمش هم زیاد است در کشور و جامعه ما خوشبختانه از نرم جهانی زیاد تر نیست و نکته دیگر این که خانواده‌ها نباید دچار اضطراب شوند که اگر دویا سه ویژگی فرزندان با آن کسی که روی صفحه تلویزیون نشان داده می‌شود مشترک است، حتماً فرزند آن‌ها هم به این سمت و سو کشیده می‌شود. نکته دیگر مربوط به خود این افراد است، اگر دقت کرده باشید خیلی از افرادی که با آن‌ها صحبت می‌شود مکرر می‌گویند زندان رفتیم، بیرون آمدیم و در محیط زندان یاد گرفتیم چطور جنایت‌ها و کارهای خلاف قانون بعدی را انجام دهیم. ولی از یک طرف برای عده‌ای زندان تبدیل به دانشگاه می‌شود، چون در آن جا آموزش می‌بینند و اصلاح می‌شوند.»

در شغل ما خبری از درآمد خوب نیست

شاید بپرسید درآمد یک روان شناس جنایی با این همه استرس شغلی چه مقدار است؟ این روان شناس اجتماعی و جنایی درباره درآمد این شغل هم می‌گوید: «درآمد روان شناسان دیگر در



هر شغلی سختی‌ها، موانع و چالش‌های خاص خودش را دارد، شریفی یزدی درباره سختی‌ها و چالش‌های شغلش می‌گوید: «اولسین و

مهم ترینش بر می‌گردد به ناشناخته بودن این حوزه به ویژه در سال‌های دورتر و برای کسانی که می‌توانستند به نحوی اثر گذار باشند، اما همکاری نمی‌کردند. به نوعی بعضی افراد این حوزه را خیلی تخیلی (فانتزی) می‌پنداشتند، گروهی ذهنیت‌شان این بود که این حرفه و شغل در کارشان فضولی و دخالت می‌کند و خیلی علاقه‌مند به همکاری در این بخش نبودند. گاهی هم خود خانواده‌ها ابا داشتند و فکر می‌کردند ما قصد داریم پرونده عضو خانواده‌شان را سنگین تر کنیم یا کار ما فعالیت است برای محکوم کردن طرف مقابل. ولی طی سالیان اخیر خوشبختانه نگرش‌ها بهتر شده، سطح همکاری‌ها بالاتر رفته و در مجموع باعث شده که این حوزه بهتر شناخته شود.»

خانواده‌ام مدام می‌گویند که این شغل را ترک کن

این روان شناس جنایی در پایان به واکنش اعضای خانواده‌اش راجع به شغلش اشاره می‌کند و با خنده می‌گوید: «خانواده‌ما که فراوان گفته‌اند سراغ این شغل نرویم. عیال‌ما که از خدایش هست ما کارمان تعطیل شود. ولی از شوخی گذشته خانواده همیشه تاکید دارند که این شغل خطرناک است و توصیه به ترک این حرفه می‌کنند و می‌گویند در حوزه دیگری کار کن، فقط تدریس کن یا قهوه‌پزوهش.»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۴ بهمن ۱۳۹۹
۹ جمادی الثانی ۱۴۴۲ • ۲۳ ژانویه ۲۰۲۱
شماره ۳۰۵۸۱

۱۸۰۱